

مقایسه کدهای رفتاری - اخلاقی شرکت‌های چندملیتی در حقوق بین‌الملل و حقوق اسلامی

محمدجواد جاوید^۱، آرزو رنگچیان^{۲*}

چکیده

با پررنگ شدن مفاهیم حقوق بشری در نیمه دوم قرن بیستم و تأکید بیشتر بر ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی، زیست‌محیطی، اقتصادی و بشردوستانه که در کانون توجه جهانی قرار می‌گیرند، مفاهیم جدیدی خلق می‌شوند که شرکت‌های چندملیتی به واسطه نقش بی‌بدیل خود در تجارت جهانی از آن برکنار نمی‌مانند؛ کدهای رفتاری - اخلاقی یکی از این مفاهیم به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر، فقه و حقوق اسلامی نیز در خصوص معاملات و تجارت بین‌الملل از همان قواعد ناظر بر حقوق خصوصی افراد تبعیت می‌کند که حقوق بشر را در بر گرفته و در تعامل با شرکت‌ها قابل بررسی است. این مقاله بر آن است با روش توصیفی - تحلیلی، جایگاه کدهای اخلاقی و اصول رفتاری را در حقوق بین‌الملل در خصوص شرکت‌ها و حقوق اسلام در سه حوزه حقوق بشر، حقوق کار و حقوق زیست‌محیطی ارزیابی کند و نشان دهد که حقوق اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر در بحث حقوق بشر به‌عنوان اساس کدهای رفتاری و اخلاقی شرکت‌ها وجه اشتراک دارند.

کلیدواژگان

حقوق اسلامی، حقوق بشر، حقوق کار، حقوق زیست‌محیطی، شرکت‌های چندملیتی، کدهای رفتاری - اخلاقی.

۱. استاد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران. Email: jjavid@ut.ac.ir
۲. دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، پردیس البرز، دانشگاه تهران، تهران (نویسنده مسئول). Email: arangchian@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۹

مقدمه

شاید در نگاه نخست بررسی تطبیقی حقوق اسلامی با حقوق بین‌الملل در موضوع حقوق شرکت‌های چندملیتی امری دور از ذهن به نظر آید، فقط به این دلیل ساده که حقوق اسلام در عصر ظهور خود اصولاً به حقوق شرکت‌ها یا تعهدات آنها نپرداخته است. این نگرش بسیار طبیعی است، اما باید خاطر نشان کرد اسلام روشی جامع برای زندگی است (مائده: ۳؛ انبیاء: ۱۷؛ انعام: ۱۹)، بنابراین کاربرد آموزه‌ها و فلسفه اسلامی برای انسان‌ها به‌عنوان دستورالعمل و راهنما در تمام امور از جمله تجارت بی‌شک مفید و راهگشاست. همچنین با این مفروض که شرکت‌ها در فقه اسلامی بر اساس اصل تعمیم از حقوق فردی تبعیت می‌کنند و از این رو هر حکمی ناظر بر وضع حقوقی افراد را می‌توان به وضع حقوقی شرکت‌ها تسری داد، این بررسی میسر می‌شود.

امروزه پیدایش و گسترش شرکت‌های چندملیتی به‌عنوان یکی از چالش‌برانگیزترین پدیده‌های توسعه اقتصادی جهانی در قرن بیستم ارزیابی می‌شود، این قرن شاهد رشد و توسعه روزافزون این شرکت‌ها، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم بوده است. اهمیت شرکت‌های فراملی^۱ از این روست که این شرکت‌ها، از قدرتمندترین و تأثیرگذارترین نهادهای اقتصادی در نظام سرمایه‌گذاری جدید بین‌المللی به‌شمار می‌روند.

امروزه بسیاری از شرکت‌های بزرگ رعایت حقوق بشر و احترام به آن را جزء ارزش‌های کاری و ضوابط اخلاقی کاری خود ذکر کرده‌اند که این امر مسئله جدیدی نیست. به‌علاوه حکومت‌ها همواره به حمایت از حقوق کارگران یا حفاظت از محیط زیست توجه داشته‌اند و برای رعایت آن موازین و مقرراتی وضع شده است، اما اینکه شرکت‌ها در رعایت حقوق بشر تکلیفی حقوقی و قانونی داشته باشند، مسئله حقوقی جدیدی است (قنبری و وصالی، ۱۳۹۵: ۱۲۶). از سوی دیگر، در آداب تجارت در اسلام نیز رعایت پاره‌ای الزامات رفتاری و اخلاقی توصیه شده است تا جایی که طولانی‌ترین آیه قرآن کریم (بقره: ۲۸۲) به بیان جزئیات یکی از مسائل اقتصادی، یعنی تنظیم اسناد تجاری اختصاص یافته است. درج این الزامات در آیه قرآن به‌خوبی نمایانگر اهمیت جایگاه تجارت و بایسته‌های اخلاقی آن در منظر خداوند است. با توجه به وجود رعایت الزامات اخلاقی در هر دو حوزه، یعنی حقوق بین‌الملل با تأکید بر

۱. شایان ذکر است در اغلب متون حقوقی دو اصطلاح شرکت‌های چندملیتی و فراملی، با اندکی مسامحه به‌جای یکدیگر به‌کار می‌روند. در بحبوحه رویارویی‌های میان کشورهای شمال و جنوب بر سر نامگذاری این شرکت‌ها، نخست انکتاد اصطلاح شرکت‌های فراملی را به‌جای شرکت‌های چندملیتی برگزید که مورد تأیید کشورهای جنوب بود، اما بعدها با توجه به عدم همکاری کشورهای شمال به‌دلیل تبعات حقوقی ناشی از این نامگذاری، به این نتیجه‌گیری رسید که باید تنها به وضع قواعد در مورد عملکرد آنها پرداخت. برای بررسی بیشتر ر.ک: Transnational corporation journal, 1992: preface

کدهای رفتاری - اخلاقی شرکت‌های چندملیتی که تبلور تجارت در دنیای مدرن امروز به‌شمار می‌روند و نیز قواعد رفتاری - اخلاقی تجارت در حقوق اسلام، این نوشتار به این موضوع می‌پردازد که با توجه به وجود الزامات و قیود اخلاقی در هر دو عرصه، این الزامات تا چه حد بر یکدیگر منطبق‌اند و همچنین اینکه در صورت وجود انطباق، می‌توان از ظرفیت‌های ایجادشده در راستای ارائه یک دسته کدهای رفتاری - اخلاقی تلفیقی در عرصه تجارت بین‌الملل، دست کم در سه حوزه اصلی مورد توجه جامعه جهانی یعنی حقوق بشر، حقوق کار و حقوق زیست‌محیطی بهره برد.

فلسفه وجودی کدهای رفتاری - اخلاقی

با انقلاب صنعتی فعالیت شرکت‌های چندملیتی شکلی جدید به خود گرفت. این شرکت‌ها با همکاری بانک‌های بزرگ در کشور مادر، اقتصاد کشورهای توسعه‌نیافته را تحت تسلط خود درآوردند و گستره نفوذ خود را در دنیا توسعه دادند.

«تقریباً در اواسط قرن بیستم این توافق حاصل شد که شرکت‌ها موجودیت‌های خصوصی‌اند که با استفاده از سرمایه موجود، به دنبال افزایش دارایی‌های خود هستند. بر این اساس هدف اصلی شرکت‌ها تأمین سود برای سهامداران است» (Bacjer, 2006:103). به‌مرور از سال‌های آغازین دهه ۱۹۹۰ توجه فزاینده عمومی به عواقب اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه سرمایه‌گذاری و جهانی‌سازی تجارت معطوف شد و این دیدگاه که تنها دغدغه شرکت‌ها کسب منفعت برای سهامداران و عدم تعهد شرکت‌ها افزایش رفاه عمومی است، به چالش کشیده شد و به شکل‌گیری مفاهیم نوینی مانند مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها منجر شد.

مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی، چندی است در ادبیات حقوقی ظهور کرده و طبق آن، باید سرمایه‌گذار خارجی به‌منظور تداوم عملیات خویش در کشور میزبان به سودرسانی به جامعه محل استقرار خود بیندیشد.

در واقع مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها مفهوم نوظهوری است که به عواقب اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی عملکرد شرکت‌ها پرداخته و شیوه اتخاذ تصمیم در آنها را به‌منظور ارتقای رویه‌های تجاری، زیست‌محیطی و اجتماعی هدف گرفته است (Muchlinski, 2007: 14). به بیانی ساده می‌توان گفت مسئولیت اجتماعی به این مفهوم است که یک شرکت چندملیتی یا سرمایه‌گذار خارجی باید به ایجاد خیر و منفعت همگانی برای جامعه‌ای بیندیشد که در آن فعالیت می‌کند، به‌نحوی که فعالیت این شرکت‌ها بر مبنای سوددهی متوازن هم برای جامعه محل استقرار و هم شرکت‌های چندملیتی قرار گیرد. از این‌رو نظم نوین اقتصادی در سال ۱۹۷۴ به تصویب منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها منجر شد و متعاقب آن قواعد

رفتاری سازمان ملل متحد برای شرکت‌های فراملی به منصفه ظهور رسیدند (عسکری، ۱۳۹۲: ۳۱۲). از دیدگاه اسلام نیز شرکت‌های چندملیتی، اگرچه شخصیت حقوقی مستقل دارند، به مانند دیگر افراد جامعه ملزم به تبعیت از مقررات دولتی و قواعد حقوقی و فقهی‌اند. از این رو در فقه مکاسب و معاملات نوع تعامل شرکت‌ها تابع حقوق متقابل افراد است. جوهر چنین نگاهی فرد انسانی است. حقوق بین‌المللی اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر به مسئله حقوق بشر در تدوین کدهای اخلاقی توجه دارند (Baderin, 2003: 45-30). از این رو در هر دو عرصه، یکی بنابر ملاحظات اخلاقی و دیگری بر مبنای رویکرد حقوق بشری ضرورت وجودی کدهای رفتاری - اخلاقی را به رسمیت شناخته‌اند.

ماهیت کدهای رفتاری - اخلاقی در حقوق بین‌الملل

در حال حاضر در عرصه حقوق بین‌الملل هیچ الزامی برای شرکت‌های چندملیتی برای رعایت ملاحظات و تعهدات حقوق بشری در یک کلیت منسجم وجود ندارد، فقط می‌توان از طریق اقدام‌های داوطلبانه و سیاست‌های تشویقی و آگاه‌سازی شرکت‌ها و نیز پذیرش قیود و مقررات خودخواسته تحت لوای کدهای رفتاری شرکت‌های چندملیتی آنها را به رعایت حقوق بشر تشویق کرد. در سال‌های اخیر، شرکت‌های چندملیتی و سازمان‌های بین‌المللی کدهای رفتاری را به‌عنوان استانداردهایی حداقلی به‌طور داوطلبانه تنظیم کرده‌اند که خود بخشی از سرزمین حقوق نرم یا قوام‌نیافته به‌شمار می‌روند (عسکری، ۱۳۹۲: ۳۱۷-۳۱۲). کدهای رفتاری توسط دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و خود شرکت‌های فراملی تهیه و به‌مرور به قواعد لازم‌الاجرا تبدیل می‌شوند (Miles, 2007: 100). البته دولت‌ها نیز در این راه از رهگذر سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی بر تنظیم کدهای مذکور تأثیر می‌گذارند (Murphy, 2005: 30)، در نهایت مجموعه کدهای رفتاری گامی اساسی در جهت پاسخگویی شرکت‌های چندملیتی به‌شمار می‌آیند که اصول حقوقی بین‌المللی را در خصوص رعایت حقوق بشر، حقوق کار، حقوق محیط زیست و دیگر حوزه‌ها به شکلی مختصر اما جامع دوباره برشمرده‌اند.

در رویکرد پوزیتیویستی، ایجاد قوانین به اراده دولت یا دولت‌ها بستگی دارد، یعنی دولت قاعده را ایجاد می‌کند و افراد نیز قاعده ساخته‌شده را می‌پذیرند. امروزه حقوق بین‌الملل در مباحث مربوط به شرکت‌های چندملیتی، دربردارنده هنجارهایی است که به رفتار شرکت‌های چندملیتی و دیگر کنشگران غیردولتی البته بیشتر به‌صورت غیرمستقیم می‌پردازد (Vazquez, 2005: 930). بنابراین در این معنا نمی‌توان کدهای رفتاری را بخشی از حقوق به‌شمار آورد. با این حال اگر این کدها توسط شرکت قبول شوند، می‌توان قواعد مندرج در آن را به‌عنوان حقوق مشترک شرکت‌ها تلقی کرد (لاجوردی، ۱۳۹۳: ۲۳۲). بنابراین حقوق نرم عبارت است از

مقررات حقوقی که از الزام قانونی برخوردار نیستند و از این رو اصولاً از طریق پذیرش اختیاری در روابط حقوقی وارد می‌شوند و الزام قراردادی به دست می‌آورند و مفاد این اسناد می‌تواند الگو و زمینه‌ساز ایجاد قواعد حقوقی الزام‌آور قرار گیرد (Gabriel, 2009: 656). نتیجه اینکه اسناد حقوقی نرم از قدرت اجرایی الزام‌آور حقوق سخت بهره‌مند نیستند و اغلب ماهیت اقناعی دارند و در واقع زمینه را برای تحولات بعدی و تبدیل به حقوق سخت فراهم می‌کنند.

حقوق نرم قالب حقوقی مناسبی برای پرورش دادن مفاهیم در حال بلوغ حقوق بین‌الملل است. شاید بتوان گفت قاعده حقوق نرم توصیه به عملکردی است، بدون اینکه ترک آن نهی شود یا توصیه به ترک فعلی است بدون اینکه از عمل به آن نهی شود. بنابراین حقوق نرم جزئی از نظام حقوقی است که به درجه الزام نمی‌رسد و بر مبنای حق توصیه قرار گرفته است (Multinational Enterprises, 1977: 2-3). بنابراین امروزه در عرصه بین‌الملل، حقوق نرم برای شکل‌گیری بسیاری از تعهدات، قالب مناسبی را فراهم می‌کند.

ماهیت کدهای رفتاری - اخلاقی در حقوق اسلامی

امروزه دیدگاه‌های اسلامی در تجارت به طور فزاینده‌ای پیشرفت کرده و به علل متعدد، اهمیت آن در دنیای امروزی رو به افزایش است، زیرا اسلام مذهبی عملی با روش‌ها و دستورالعمل‌های روشن است. کدهای رفتاری و اخلاقی تجاری که اکنون در غرب به آن توجه شده، در آموزه‌های اسلامی تحت عنوان «آداب التجاره» پیشینه‌ای طولانی دارد. این کدهای رفتاری و اخلاقی تجاری در دیگر نظام‌ها و نیز آداب تجارت در اسلام قواعد اخلاقی انعطاف‌پذیری هستند که می‌توانند به قواعد حقوقی تبدیل شوند (میرمحمدی، ۱۳۹۴: ۱۴۰)، این امر بیانگر آن است که اسلام آموزه‌های اقتصادی خود را بر مبنای ارزش‌های اخلاقی بنا نهاده است و در کتاب‌های فقهی بارها به تاجر تأکید شده است که از روی عدل و انصاف رفتار کند.

در حال حاضر اخلاق تجارت اسلامی به واژه‌ای بدیهی در حقوق بین‌الملل تبدیل شده است و در این خصوص بین فرق مختلف شیعه و سنی کتاب‌های بسیاری وجود دارد. هر یک از این آثار با تأکید بر سیره و سنت به بحث‌های تجاری اوایل اسلام پرداخته‌اند (Frick, 2013: 29). در حقوق اسلامی نیز رابطه میان قواعد اخلاقی و حقوقی به وضوح دیده می‌شود. تعلیمات پیامبر اسلام (ص) به روشنی نشان می‌دهد پایبندی به اخلاق و تعالی اخلاقی مردم در صدر کار ایشان بوده است، به طور اساسی از دیدگاه اسلام حقوق تجارت ترکیبی از قواعد اخلاقی و حقوقی است و تفکیک میان این دو دشوار است (میرمحمدی، ۱۳۹۴: ۱۳۴). موارد پیش‌گفته نشان می‌دهد قواعد اخلاقی، در همه حوزه‌های زندگی لازم‌الرعایه هستند. در واقع اتخاذ رویکردی اسلامی می‌تواند زمینه‌ساز حرکت به سمت نوعی اخلاق متعالی کسب‌وکار باشد.

از سوی دیگر از منظر دین اسلام آزادی همراه با مسئولیت است. خداوند به وسیله قانون‌ها و احکام، قلمرو آزادی و مسئولیت‌های مردم را تعیین کرده است. از این رو آزادی و مسئولیت‌های مردم در چارچوب شرع مقدس اسلام قابل تغییر و تعیین است (حسینی و دهکردی، ۱۳۹۰: ۱۳۲). این قابلیت تغییر در چارچوب فقه پویا، بنیان‌های لازم را در جهت همسویی قواعد دینی و قوانین جدید فراهم می‌آورد و فرایند پدید آوردن و ارائه ارزش‌های اخلاقی تجاری رایج در جهان امروز را در قالب کدهای رفتاری شرکت‌های چندملیتی و در چارچوب قوانین ارزشی و اخلاقی اسلام میسر می‌سازد.

رویکرد پوزیتیویستی به کدهای رفتاری یکی دیگر از وجوه مشترک حقوق بین‌المللی اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر است (Rice, 1999: 349). البته در اغلب موارد حقوق بین‌الملل این کار را به واسطه تحمیل تعهدات بر دولت‌ها انجام می‌دهد تا دولت‌ها را به ساماندهی فعالیت شرکت‌ها و کنشگران غیردولتی ملزم کند (Vazquez, 2005: 930-931). از منظر رویکرد شیعه به فقه حکومتی، اختیارات معاصر فقیه در ولایت سیاسی ایجاب می‌کند تا در اموال شرکت‌ها نیز مداخله کند و در این زمینه مرزی بین شرکت داخلی و خارجی وجود ندارد (Dabashi: 173: 2017). از این رو می‌توان اصطلاح ولایت مطلقه فقیه در اندیشه سیاسی معاصر شیعه را به مجموعه اختیارات اقتصادی دولت اسلامی تعمیم داد که تحت مدیریت فقیه اداره می‌شود. در چنین تحلیلی فقیه می‌تواند براساس مصلحت هر جا که اقتضا بداند، وارد شود و ضمن جبران خسارت شرکت از ادامه کار یا شیوه خاصی از عمل آن جلوگیری کند. فقیه می‌تواند براساس نظر خود به‌مثابه دولت به سود ملت و شریعت عمل شرکت‌ها را کنترل کند، اصلی که در حقوق بین‌الملل با عنوان عمل حاکم نیز همسویی دارد. اما در اندیشه فقهی اهل سنت به دلیل نبود چنین اختیاراتی برای فقیه عملاً دولت اسلامی در چارچوب قوانین موضوعه شرعی اقدام می‌کند (حر العاملی، ۱۳۷۲: ۱۷؛ نجفی، ۱۳۶۵: ۲۲) که از این منظر این اندیشه دارای شباهت با حقوق پوزیتیویستی است.

ماهیت و تنوع کدهای رفتاری شرکت‌های چندملیتی در این زمینه شباهت‌هایی به اخلاق در تجارت اسلامی دارند. موضوع‌های محیط زیست، حقوق کار، حقوق بشر و مسئولیت‌های مختلف ناظر بر آنها سبب شده است تا برخی ماهیت حقوقی کدهای اخلاقی را در حوزه حقوق بشر تحلیل کنند (Baderin, 2003: 80-95) و در این زمینه فقه و حقوق را در این عرصه‌ها دارای عناصر هماهنگ و مشترک بدانند.

خودالزامی ضمانت کدهای رفتاری

برای بسیاری از حقوقدانان نوعی خودالزامی شاید از منظر حقوقی بهترین نوع ضمانت است،

به‌ویژه آنکه ضمانت مبتنی بر پایه‌های اخلاقی یا حقوق پایه‌ای باشد. نوعی برداشت از حقوق نرم در حقوق بین‌الملل را می‌توان همواره در خصوص گزاره‌های اخلاق حرفه‌ای به‌کار برد که به‌صورت داوطلبانه از سوی شرکت‌های چندملیتی در قالب کدهای رفتاری استفاده می‌شود. ضرورت مشارکت شرکت‌های فراملی در تأمین و تضمین منافع عمومی جامعه بین‌الملل به‌عنوان یکی از مطالبات جامعه جهانی از دید صاحبان سرمایه، به‌خصوص شرکت‌های چندملیتی پنهان نمانده است، به‌نحوی که به شکل‌گیری زمینه مناسب برای پذیرش داوطلبانه مسئولیت‌های اجتماعی یاری رسانده است (Kline, 1999: 33). مصرف‌کنندگان در دنیای امروز به دنبال شرکت‌هایی هستند که از عمیق‌ترین نیازهای آنان؛ یعنی عدالت اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی سخن گفته و نیز به آنها باور داشته باشند. درست به همین دلیل است که بسیاری از شرکت‌ها به‌طور یکجانبه پایبندی خود به این کدها را اعلام می‌کنند تا در اذهان عمومی وجهه خوبی بیابند (Miles, 2007: 100). در اخلاق تجارت اسلامی نیز کنترل نفس مهم‌ترین رکن نظارت سالم بر تجارت است. در خصوص لزوم رعایت ارزش‌های اخلاقی از سوی تجار، اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی، با توجه به اینکه اسلام آموزه‌های وسیع اقتصادی خود را با ارزش‌های اخلاقی آمیخته است، شرکت‌های تجاری نیز مکلف‌اند در ارتباطات خود با همه ذی‌نفعان اصول اخلاق اسلامی را رعایت کنند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۳)، از این‌رو هر فعالیت تجاری باید درون مرزهای اخلاقی تعیین شود و آموزه‌های اسلامی انجام گیرد. به‌نظر می‌رسد با توجه به احادیث و روایات متعدد در زمینه رعایت قواعد اخلاقی در تجارت، در حقوق بین‌الملل اسلام بر این امر تأکید بیشتری شده است.

استانداردهای حقوق بشری در عرصه بین‌الملل

یکی از اهداف تأسیس سازمان ملل متحد وفق ماده ۱ منشور آن (۱۹۴۵)، برقراری صلح و امنیت بین‌المللی در سراسر گیتی است، بدیهی است تحقق احترام عام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین که در مقدمه منشور به آن اشاره شده، شرط مطلوب برای برقراری این صلح و احترام کلی به حقوق است. بنابراین سازمان ملل متحد برای نیل به اهداف متعالی انسانی و تعهد خود مبنی بر ترویج نظارت جهانی و احترام به حقوق بشر به یک چارچوب اسنادی نیاز داشت.

در این زمینه منشور بین‌المللی حقوق بشر از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر است که از اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و دو پروتکل اختیاری منضم به آن و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) تشکیل شده است و از آن به‌عنوان «مبنای اخلاقی و حقوقی تمامی فعالیت‌های حقوق بشری سازمان ملل متحد... و زیرساختی که نظام بین‌المللی حمایت و ترویج حقوق بشر بر پایه

آن توسعه یافته است و نقطه برجسته تاریخ حقوق بشر و یک منشور کبیر واقعی یاد می‌شود که بیانگر ورود بشریت به مرحله‌ای بسیار مهم یعنی دستیابی آگاهانه به کرامت و ارزش بشری است» (The International Bill of Rights Fact, 1996, sheet. 2, Rev.1). البته شاید به‌طور کلی و در سخن آنچه در اسناد بین‌المللی حقوق بشر آورده شده مطلوب باشد، اما هیچ نظام جامعی برای حمایت از حقوق بشر در منشور گنجانده نشده است. اگرچه آرمان تضمین احترام به حقوق بشر با تعهد دولت‌ها به تشویق، ترویج و نظارت بر حقوق در سرزمین‌های خود ذکر شده، «مقررات حقوق بشر منشور سازمان ملل متحد، پراکنده، موجز و مختصر توصیف شده‌اند» (Steiner & Alston, 2000: 138)، به بیان دیگر اگرچه به ارزش‌های حقوق بشری به‌نحوی ایده‌آل در این اسناد تأکید شده، در آنها فقط به اعلام آرمان‌های نامبرده بدون پیش‌بینی سازوکار نظارتی کارآمد اکتفا شده است.

در عین حال دهه‌های اخیر شاهد رشد چشمگیری در خصوص موضوع حقوق بشر و شرکت‌های فراملی در سطح بین‌المللی بوده است به‌گونه‌ای که «موضوع حقوق بشر به‌گونه‌ای روزافزون به موضوع اصلی بحث در مورد شرکت‌های فراملی در سطوح سازمانی بین‌المللی و فراملی تبدیل شده است» (Bacjer, 2006: 119).

در عرصه حقوق بین‌الملل تعهدات حقوق بشری صریحی بر عهده دولت‌ها برای اعمال محدودیت در خصوص فعالیت‌های ناقض حقوق بشر وجود دارد، اما از سوی دیگر به‌دلیل رعایت مصالح یا حتی رعایت تعهدات مندرج در موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری، معمولاً دولت میزبان در انجام این وظیفه کاهلی می‌کند (صلح‌چی، ۱۳۹۳: ۱۰۸). در واقع اسناد مرتبط با تعهدات حقوق بشری شرکت‌های فراملی ترکیبی ناسازگار و ناهمگون از تعهدات اخلاقی نوظهور و تعهدات حقوق بشری شرکت‌های فراملی هستند و در تحلیل نهایی قادر به قاعده‌مند کردن رفتاری مؤسسات بازرگانی فراملی نیستند (لطیفیان، ۱۳۹۲: ۵۸۹). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در شرایط کنونی حقوق بین‌الملل موضوعه نتوانسته است به‌نحوی مؤثر و با ضمانت اجرای مناسب مسئولیت شرکت‌های فراملی را در قبال نقض تعهدات حقوق بشری تضمین کند.

۱. شرکت‌های چندملیتی و حقوق بشر

یکی از مسائل مهم شرکت‌های چندملیتی، وجود و میزان مسئولیت حقوقی بین‌المللی آنها در رعایت قواعد حقوق بشر است. در سال‌های اخیر درباره ارتباط بین شرکت‌های چندملیتی و حقوق بشر، نگرانی بی‌سابقه‌ای به وجود آمده و پرونده‌های بسیاری در خصوص نقض فاحش حقوق بشر از سوی شرکت‌ها به ثبت رسیده است.

اگرچه به‌طور سنتی حمایت از حقوق بشر وظیفه شرکت‌ها نیست، اما امروزه این مفهوم سنتی که فقط دولت‌ها و عوامل آنها را می‌توان مسئول نقض حقوق بشر دانست، به‌طور جدی با

چالش مواجه شده است (Muchlinski, 2001:32). از این رو با توجه به افزایش قدرت بی‌سابقه شرکت‌های چندملیتی دیگر نمی‌توان به‌طور مطلق آنها را در قبال موارد نقض حقوق بشر فاقد مسئولیت دانست، زیرا آنها به بازیگرانی در صحنه بین‌المللی مبدل شده‌اند که توان اقتصادی به آنها قدرت بی‌مانندی بخشیده است. از این رو حقوق بین‌الملل در راستای تنظیم رفتار بازیگران غیردولتی دولت‌ها را موظف می‌کند برخی رفتارهای بازیگران غیردولتی را ممنوع کند، زیرا «امروزه ماهیت و تمرکز قدرت در عرصه بین‌الملل دچار تغییر شده و به‌خصوص قدرت عوامل غیردولتی، بسیار افزایش یافته است. از این رو برداشت سنتی از نقش شرکت‌های چندملیتی به‌عنوان اشخاص حقوق خصوصی تغییر کرده و لازم است برای کسب اطمینان از رعایت اصول حقوق بشر، مسئولیت این شرکت‌ها در کنار مسئولیت دولت‌ها پذیرفته شود» (آذر، ۱۳۹۰: ۶۵). بنابراین به‌نظر می‌رسد امروزه در عرصه حقوق بین‌الملل زمینه برای شناسایی مسئولیت مستقیم شرکت‌های چندملیتی تا حدودی فراهم آمده است.

بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد ابتکارهای داوطلبانه مانند کدهای رفتاری شرکت‌ها می‌تواند گام نخست در این مسیر صحیح باشد. اما نکته این است که اگر کدهای رفتاری تنظیم شده از سوی سازمان‌های بین‌المللی واقعاً از سوی شرکت‌ها پشتیبانی نشوند، تأثیر چندانی نخواهند داشت، زیرا کدهای رفتاری از لحاظ حقوقی الزام‌آور نیستند و انجام و رعایت آنها فقط به تعهد داوطلبانه شرکت‌ها بستگی دارد (Report of OHCHR, 2005:4-5). البته گروه‌های فعال مدنی همیشه به کدهای اخلاقی داوطلبانه به دیده تردید می‌نگریستند و نتایج را چندان رضایت‌بخش ارزیابی نمی‌کردند، در مقابل از انواع جایگزین‌های اجباری، استقبال بیشتری به‌عمل می‌آوردند، زیرا به نظر نتایج مطمئن‌تری را نوید می‌دهند (Kline, 1999: 12). در واقع آنچه در این میان به ذهن متبادر می‌شود این است که شاید شرکت‌ها با تنظیم کدهای رفتاری «به‌صورت داوطلبانه»، می‌کوشند از تبدیل توقع‌ها و مطالبات جامعه به شکلی اجباری و سخت‌گیرانه‌تر اجتناب کنند. بنابراین شاید به‌دلیل همین طبیعت انتخابی و به‌نوعی گزینشی است که جامعه مدنی چندان روی خوشی به کدهای داوطلبانه نشان نمی‌دهند.

۲. شرکت‌های چندملیتی و حقوق بشر اسلامی

اسلام به‌عنوان آیینی کامل و جامع، برای همه جنبه‌های مادی و معنوی زندگی بشر از جمله تجارت دستورها و آداب ویژه‌ای دارد. تجارت در دین اسلام بر پایه معنویت و فضیلت قرار گرفته و هدف از تجارت، نه فقط کسب سود شخصی که فراهم آوردن وسایل رفاه عمومی در جامعه بشری قلمداد شده است (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴). بنابر روایات متعدد در اسلام، تجارت نباید با نیت کسب سود انجام شود، بلکه باید رفاه نوع بشر را تقویت کند و افزایش دهد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۴). مؤمن که در اجتماع زندگی می‌کند، باید حقوق دیگران را

به‌جا آورد و روایات متعددی درباره حقوق مؤمن بر مؤمن رسیده است (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۷۲)، به همین دلیل آموزه‌های اسلامی منابع فرد را با اعتدال، در جهت رفع نیازهای وی هدایت می‌کند و آنچه را که باقی می‌ماند، برای هدف‌های خیرخواهانه صرف می‌کند. بدیهی است رعایت حقوق دیگر افراد جامعه، اعم از جامعه داخلی یا در سطح بین‌الملل نیز در تفسیری عام در همین مقوله قرار می‌گیرد.

حقوق بین‌المللی اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر در خصوص مخاطب تعهدات و کدهای اخلاقی شرکت‌ها تا حدودی دارای اختلاف‌اند، همین مسئله به تجدیدنظرهایی منجر شده است. در حقوق و فقه اسلامی معاملات مشروع بین مسلمانان و غیرمسلمانان با محدودیت‌هایی در جنس معامله و نوع و حدود معاملات وجود دارد. از منظر حقوق بشری چنین تفکیک دینی نمی‌تواند تأیید شود و نشان از تبعیض خواهد بود (Rice, 1999: 83). در قالب تجارت بین‌الملل اخیراً کدهای تجاری اسلامی به‌نحوی تنظیم می‌شود تا در قالب چنین تبعیض‌هایی نباشد. از جمله ایجاد تعهدات علی‌السویه و نیز جبران خسارت در دیه‌های اهل کتاب و مسلمانان توسعه یافته است. این قانون هرچند داخلی است، به حقوق بین‌الملل نیز تسری داده شده و مجموعه تعهدات بدون تفاوت در مسئولیت‌ها و حقوق دیده شده است.

همچنین امروز مجموعه‌ای از شرکت‌های چندملیتی بازرگانی و تغذیه در قالب برند حلال در حال فعالیت‌اند. در چند سال اخیر این علامت تجاری غذایی برای محصولات غذایی حلال به‌صورت یک علامت جهانی از طرف کشورهای اسلامی در دنیا معرفی شده، به‌طوری‌که در کشورهای غیراسلامی نیز از استقبال خوبی برخوردار شده است و برخی از این شرکت‌ها مشتریان غیرمسلمان و سامانه فروش آنلاین دارند. شاید در بحث کدهای رفتاری شرکت‌های تجاری مسلمانان و اسلامی برند حلال از موفق‌ترین شرکت‌های بازرگانی در رعایت کدهای رفتاری تجارت اسلامی باشد (Wilson & Liu, 2010: 112). وجود نمونه‌هایی از این دست، به‌خوبی نشان‌دهنده ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل در راستای تعهدات حقوق بشری در چارچوبی اسلامی است.

حقوق اسلامی در خصوص حقوق شرکت‌ها علاوه بر کدهای رفتاری از قوانین موضوعه نیز دفاع می‌کند، اما قواعدی که مبتنی بر حقوق تعهدات اسلامی و مورد تأکید فقه مکاسب از جمله لزوم وفای به تعهدات، منع سوءاستفاده از حق، امکان تعدیل منصفانه قرارداد و منع اکل بالباطل هستند، پس بخشی از کدهای رفتاری در این قالب قابل حمایت هستند (Abeng, 1997: 48)، بنابراین نهادهای مرتبط با این نوع تعهدات هم جبراً جزء تعهدات تجارت اسلامی قرار می‌گیرند و تبعیت شرکت‌ها نیز همچون افراد از آنها الزامی به‌نظر می‌رسد (Gambling & Karim, 1993: 105-110). به بیان دیگر، می‌توان علاوه بر آنچه در چارچوب تعهدات تجاری ناشی از فقه پیش‌بینی شده است، در حقوق موضوعه نیز تعهداتی را در راستای همان مبانی فقهی وضع کرد. در نهایت اسلام حرص، طمع و بی‌توجهی به حقوق و احتیاجات دیگران را محکوم می‌کند.

انگیزه سود شخصی تنها نیروی پیش رو نیست، بلکه منافع اجتماعی در کنار منافع فردی باید هدف سرمایه‌گذاران باشد، علاوه بر رفاه اجتماعی، فعالیت‌های تجاری باید اهدافی معنوی چون آرامش ذهنی، سعادت درونی، صداقت، عدالت، مشارکت و غم‌خواری متقابل، هماهنگی خانوادگی و اجتماعی، و پرهیز از جرم و ناهنجاری را نیز به دنبال داشته باشد. (آل‌عمران: ۱۱۰؛ انعام: ۱۲۵؛ نحل: ۹۰؛ مؤمنون: ۵۳؛ احزاب: ۲۱). به‌واقع با حصول چنین اهدافی به‌نظر می‌رسد تمام آرمان‌های جامعه بین‌المللی در نیل به اهداف حقوق بشری جامعه عمل می‌پوشد.

استانداردهای حقوق کار در عرصه بین‌الملل

حقوق کار از ترکیب منحصر به فرد مقررات ناشی از مذاکره میان کارگر و کارفرما و قوانین امری ناظر بر حمایت از کارگران تشکیل شده است. نظم حقوق بین‌الملل کار، امروزه با وجود شرکت‌های چندملیتی با چالش‌هایی جدید روبه‌روست که بازنگری در هنجارهای آن را می‌طلبد. چالش مهم پیش روی حقوق کار، فرایند جهانی شدن به‌واسطه فعالیت شرکت‌های چندملیتی است. جهانی شدن بر پایه جابه‌جایی آزاد سرمایه استوار است و این امر موجبات انتقال فرصت‌های شغلی را از کشوری به کشور دیگر به‌همراه دارد. از این‌رو به‌نظر می‌رسد که سازمان بین‌المللی کار به‌عنوان نهادی دیرپا در عرصه روابط بین‌الملل به‌منظور تطبیق خود با واقعیت‌های جهان امروز، به‌تازگی در روش‌های خود تجدیدنظر کرده است و بر رعایت حداقل موازین کار در نظام‌های حقوقی مختلف اصرار دارد (بزرگی، ۱۳۹۵: ۹۰-۸۹). اما در واقع پیدایش گونه‌های جدیدی از تعهدات در عرصه بین‌الملل به‌خصوص از زاویه حقوق بشر سبب توسعه هنجارهای حقوق کار را فراهم آورده و به‌نوعی راه را برای ایجاد تحولاتی در این زمینه گشوده است؛ فرصتی که سازمان بین‌المللی کار می‌تواند در جهت تدوین مقوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌های جدید از آن بهره‌جوید.

همان‌طور که گفته شد، سازمان بین‌المللی کار به‌دلیل برخورد با مشکلاتی که در نتیجه توسعه تجارت شرکت‌های فراملی پدید آمد، تمرکز بر مقوله‌نامه‌های بنیادین را در دستور کار خود قرار داد (Macklem, 2002: 626). البته شرکت‌های فراملی به‌نوبه خود نیز در برابر مقوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار مقاومتی نکرده‌اند و در عین حال نشانی از مشارکت فعالانه نیز مشاهده نمی‌شود، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت این شرکت‌ها نسبت به این قوانین حساسیت چندانی ندارند، زیرا این استانداردها همواره حداقل‌های مشترکی‌اند که تمامی شرکت‌های فراملی به موجب قوانین دولت متبوع خود موظف به رعایت آنها بوده‌اند، زیرا تلاش‌های سازمان بین‌المللی کار، حتی اگر در تنظیم روابط صنعتی اثری به‌جا گذاشته، تأثیری محدود بوده است (Hyman, 1998:185). در مجموع به‌نظر می‌رسد نقش سازمان بین‌المللی کار

تنها به تأکید بر دستاوردهای پیشین محدود شده و از این رو این سازمان برای ایجاد هنجارهای لازم برای مفاهیم جدید حقوق کار نیازمند تحرک و پویایی افزون تری است.

۱. شرکت‌های چندملیتی و حقوق کار

سازمان بین‌الملل کار به‌عنوان نهادی دیرپا در عرصه روابط بین‌الملل سال‌ها به تنظیم توصیه‌نامه‌ها و مقاوله‌نامه‌های حقوق کار اشتغال داشته و به‌عنوان نهاد تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد دربردارنده نمایندگان دولت‌ها، کارفرمایان و کارگران است که با مشارکت یکدیگر نسبت به وضع هنجارهای بین‌المللی در زمینه حقوق کار اقدام می‌کنند.

حقوق بین‌المللی کار شرکت‌ها را به‌طور مستقیم مخاطب قرار نمی‌دهد، البته تقریباً هیچ‌یک از مقررات حقوق بشر و حقوق کار و نیز حقوق بین‌الملل اقتصادی شرکت‌های فراملی را به‌طور مستقیم متعهد نکرده‌اند، همین مسئله سبب شد اوضاع و احوال به سویی رود که هنجارهای فراملی از سوی خود شرکت‌های فراملی تدوین شود.

با توجه به اینکه در چارچوب حقوق بین‌الملل اقتصادی و حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری حقوقی را به نفع آنها یعنی شرکت‌های چندملیتی در عرصه بین‌المللی شناسایی کرده، همین مسئله توجه اندیشمندان را از هنجارهای حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل به هنجارهای فراملی جلب کرده است که توسط خود شرکت‌های فراملی توسعه می‌یابد. شرکت‌های فراملی همواره کوشیده‌اند دستورالعمل‌هایی را با مشارکت یکدیگر تدوین کنند، بسیاری از فراملی‌ها نیز مقرراتی نسبت به تنظیم دستورالعمل‌های حاکم بر فعالیت شرکت‌های تابعه خود در سراسر جهان تهیه کرده‌اند (رضوانی، ۱۳۹۱: ۱۰۶-۱۰۵). اما در عین حال نباید از نظر دور داشت که دامنه اعمال کدهای رفتاری که فقط شرکت‌های تنظیم‌کننده و پذیرنده کد را در برمی‌گیرد، با دامنه اعمال هنجارهای بین‌المللی مصوب از سوی سازمان‌های بین‌المللی تفاوت دارد و بدیهی است که هنجارهای نامبرده، تمامی کشورهای پذیرنده آنها را در برمی‌گیرد (لاجوردی، ۱۳۹۳: ۲۶۰). علاوه بر ایراد پیش‌گفته، اغلب سیستم نظارتی جامعی نیز در مورد تبعیت از کدهای رفتاری وجود ندارد و این امر امکان ارزیابی بازخورد میزان رعایت کدهای رفتاری را مشکل می‌کند.

نتیجه اینکه شرکت‌های فراملی خارج از سازمان‌های بین‌المللی به تنظیم معیارها و هنجارهای خاص خود پرداختند. این هنجارها شاید در وهله نخست چندان به نظر ایده‌آل نباشند، اما به‌طور یقین در بهبود استانداردهای حقوق کار نقش بسزایی داشته‌اند. بنابراین روشن است که شرکت‌های فراملی نیز از طریق وضع دستورالعمل‌های خاص خود در توسعه حقوق بین‌المللی کار نقش چشمگیری داشته‌اند.

۲. شرکت‌های چندملیتی و حقوق کار اسلامی

حقوق کارگر و مباحث مربوط به آن از جمله اموری است که در نگاه اول به نظر می‌رسد برای نخستین بار در حقوق غرب مطرح شده است و در متون اسلامی و فقهی سابقه چندانی ندارد، لیکن بررسی‌ها در منابع اسلامی نشان می‌دهد اسلام قرن‌ها پیش از دنیای غرب به حقوق کارگر توجه کرده و به حمایت واقعی از آن برخاسته و به حل مشکل حقوق کارگر اهمیت و علاقه فراوانی نشان داده است.

عدم پرداخت یا تأخیر در پرداخت حقوق کارگر «ظلم» تلقی شده و در بعضی روایات، ندادن حقوق کارگران، گناهی نابخشودنی قلمداد شده است (صدوق قمی، ۱۴۱۳ق: ۱۵۶). در دین اسلام به کارفرمایان و صاحبان کار درباره حفظ و رعایت حقوق کارگران سفارش فراوانی شده است. کارگر در دیدگاه اسلام محترم و ارزشمند است، به طوری که رسول گرامی اسلام و امامان معصوم ارج بسیاری برای کارگران قائل بوده‌اند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۶۲)، حتی می‌توان مدعی شد با توجه به سفارش‌های مؤکد اسلام بر رعایت حقوق کارگران، نگاه انسانی‌تری به کارگران شده است. «در واقع شریعت اسلام خطوط اخلاقی مشخصی در روابط شرکت با کارگران و کارمندان تعریف کرده است که می‌توان به روابط براساس اصل عدالت و تقوا، روابط براساس حق و قانون و دستمزدهای منصفانه اشاره کرد» (حسینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۵). از این رو اسلام، تمام حقوق متعارف و اولیة کارگر را تضمین می‌کند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: دستمزد عادلانه و متعارف، حق اعتصاب، مذاکره و گفت‌وگو، نظام و مقررات اشتراک در سود، بیمه کار، جبران خسارت ناشی از حوادث حین کار، حقوق سالمندی یا بازنشستگی، عدم تحمیل خسارت‌های ناروا و زیان آور، ممنوعیت استثمار کارگر و غیره (عبدالقادر، ۱۳۹۰: ۱۷۵-۱۷۱). از این رو حقوق بین‌المللی اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر در موضوع حقوق افراد شرکت‌ها مشترکات خوبی دارند (Frick, 2013:70-89)، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رعایت حقوق کارگران در هر دو عرصه تقریباً دارای همپوشانی کامل هستند.

شرکت‌های چندملیتی برند حلال در قالب حمایت از مشتریان علاوه بر کدهای رفتاری متعارف شرکت‌ها، به فقه و احکام اسلامی در قالب شریعت نیز التزام دارند. حقوق کار در این شرکت‌ها تابع حقوق بین‌الملل است (Sonbol, 2003:147-154). در بسیاری از موارد شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات مربوط به این نوع برند اسلامی مسلمان نیستند، ولی مکلف به رعایت کدهای اسلامی و رفتاری رایج در شرکت‌ها و نیز اصول حقوق کار هستند (Wilson). Liu, 2011:115-121 & از این رو نتیجه می‌گیریم این شرکت‌ها در واقع هم کدهای بین‌المللی حقوق کار و هم در سطحی بالاتر الزامات شریعت را نیز رعایت می‌کنند و در واقع در سطح استانداردهایی بالاتر از شرکت‌های چندملیتی متداول قرار می‌گیرند، امری که بی‌تردید در دنیای کنونی چندان آسان نیست.

در مجموع از آنچه گفته شد نتیجه می‌گیریم که قواعد ناشی از شریعت و حقوق بین‌الملل اسلام بیش از آنچه در نخست به نظر می‌آید، بر حقوق کار رایج در شرکت‌ها مطابقت داشته و گاهی خود نیز سبب ایجاد تحولات مثبت در راستای رعایت الزامات شرعی مسلمانان شده است.

استانداردهای زیست‌محیطی در عرصه بین‌الملل

حقوق بین‌المللی محیط زیست از گرایش‌های به نسبت جوان حقوق بین‌الملل عمومی است. این گرایش بر آن است تا با توجه به آنکه آلودگی‌های زیست‌محیطی در محدوده جغرافیایی یک کشور بر سایر کشورها نیز اثرگذار است، تعهدها و محدودیت‌هایی را بر عملکرد دولت‌ها در حیطه‌های سرزمینی تحمیل کند. وظیفه حفظ و حمایت از آن بر عهده تمام افراد بشر، همه سازمان‌ها و دولت‌هاست. با وجود مقاومت‌های موجود در سطح بین‌المللی برای تحمیل تعهدهای مستقیم زیست‌محیطی به شرکت‌های چندملیتی، دولت‌ها تلاش داشته‌اند تا در چارچوب نظام حقوق داخلی موضوع را سامان دهند، اصل یازدهم اعلامیه کنفرانس سازمان ملل درباره محیط زیست ۱۹۷۲ اشعار می‌دارد: «سیاست‌های ملی در مورد محیط زیست باید ظرفیت پیشرفت کنونی و آینده کشورهای در حال توسعه را تقویت کند».

اگرچه آگاهی از ضرورت حمایت از حق محیط زیست آهنگ رشد فزاینده‌ای دارد، فشارهای اقتصادی عصر حاضر گویای این واقعیت است که ملاحظات زیست‌محیطی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه و توسط شرکت‌های چندملیتی در اولویت پایین قرار دارند (بزرگی، ۱۳۹۵: ۱۰۹). در واقع با توجه به عدم شناسایی تعهدهای زیست‌محیطی برای شرکت‌های چندملیتی در عرصه حقوق بین‌الملل و وجود مقاومت‌های موجود در سطح بین‌المللی برای تحمیل تعهدهای مستقیم زیست‌محیطی به این شرکت‌ها، دولت‌ها تلاش کردند تا موضوع را در چارچوب نظام حقوق داخلی سامان دهند.

«با وجود تبلیغات گسترده برای تحمیل چنین تعهدهای به شرکت‌های چندملیتی و نیز تنظیم هنجارنامه‌های اقتصادی که در چارچوب حقوق نرم سامان یافته‌اند، هنوز تحمیل تعهدهای زیست‌محیطی به شرکت‌های چندملیتی توفیق چندانی نداشته است» (Allen). (250: 1992) نتیجه اینکه با توجه به شناسایی نشدن تعهدات زیست‌محیطی برای شرکت‌های فراملی در عرصه حقوق بین‌الملل، در چارچوب نظام خصوصی داخلی برای برتری دادن به منافع عمومی در برابر تعهدهای سرمایه‌گذاری تلاش‌هایی افزایش یافته است.

۱. شرکت‌های چندملیتی و محیط زیست

یکی از مصادیق بارز تخلف‌های شرکت‌های چندملیتی اتهام‌های است که درباره نقض مقررات

زیست‌محیطی یا در استفاده بی‌رویه از منابع به این شرکت‌ها وارد می‌شود. در حالی که حقوق بین‌الملل همه اشخاص از جمله شرکت‌های چندملیتی را موظف و مکلف به رعایت الگوهای هنجاری و استانداردهای لازم زیست‌محیطی و حقوق بشری می‌کند، زیرا هر شرکتی تعهداتی نسبت به سایرین بر عهده دارد که تعهدات زیست‌محیطی از آن جمله است، بنابراین توجه به محیط زیست اولویت همه کشورهای به‌شمار می‌رود (کاظمی، ۱۳۸۴: ۲۲). حقوق بین‌الملل همه اشخاص از جمله شرکت‌های چندملیتی را مکلف به رعایت الگوهای هنجاری و استانداردهای لازم زیست‌محیطی و حقوق بشری می‌کند. امروزه «حقوق بین‌الملل محیط زیست، حقوقی است که از وفاق عمومی نسبی برخوردار است و اسناد مختلفی در این رابطه به تصویب رسیده است» (ضیایی، ۱۳۹۵: ۱). اگرچه آگاهی از ضرورت حمایت از حق محیط زیست روند رشد فزاینده‌ای دارد، فشارهای اقتصادی عصر حاضر گویای این واقعیت است که ملاحظات زیست‌محیطی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه و نیز از منظر شرکت‌های چندملیتی در اولویت پایین قرار دارند.

از این رو اعمال قواعد محیط زیستی در حقوق سرمایه‌گذاری کشورهای در حال توسعه که شرکت‌های فراملی را مخاطب قرار می‌دهند، ضرورت بیشتری دارد، زیرا این کشورها در مدیریت منابع، ضعیف‌اند و برای جلب سرمایه‌گذاری بیشتر در وضع قواعد سهل‌تر با یکدیگر به رقابت می‌پردازند که قواعد حمایت از محیط زیست را نیز متأثر می‌کند (ضیایی، ۳۹۵: ۵). در عین حال با وجود اعلام پایبندی شرکت‌های فراملی در رعایت مسائل زیست‌محیطی و تأکید بر آن به‌عنوان یکی از محورهای اصلی در کدهای رفتاری اعلام‌شده از سوی این شرکت‌ها، در صورت فقدان نظام حقوقی و الزام‌آور، این کدها با توجه به ماهیت داوطلبانه خود نمی‌توانند از نقض محیط زیست از سوی شرکت‌های چندملیتی جلوگیری کنند و در زمان بروز تضاد میان منافع این شرکت‌ها و کدهای رفتاری مبتنی بر قواعد زیست‌محیطی، این حقوق بین‌الملل محیط زیست است که مظلوم واقع شده و حمایت نمی‌شود.

۱. شرکت‌های چندملیتی و حقوق زیست‌محیطی اسلامی

از آنجا که انسان به‌عنوان جزئی از جهان عظیم خلقت، با مجموعه بزرگی از مخلوقات دیگر، از جمله طبیعت و محیط زیست در ارتباط است، بدیهی است که زندگی شایسته او در گرو تنظیم مناسب روابط با آنها خواهد بود.

اسلام به‌عنوان دینی جهان‌شمول، مدعی است که پاسخگوی نیازهای متغیر انسان در هر عصری و برای کلیه روابط او، دارای قوانین و مقرراتی است. البته نه به این معنا که برای هر موضوع با عنوان متداول امروزی آن، حکم خاصی را مقرر داشته باشد، بلکه اصول و قواعدی در اسلام وجود دارد، که می‌توان حکم هر موضوع را از آن به‌دست آورد. محیط زیست با مفهوم

رایج و متداول آن در عصر حاضر، بحثی کاملاً نو و تازه است که نه در اسلام و نه در هیچ مکتب دیگری سابقه نداشته است، اما می‌توان قواعد و مقررات مورد نیاز آن را از متون دینی استخراج کرد، به طوری که می‌توان مکتب زیست‌محیطی جامعی را ارائه کرد (گرجی، ۱۳۶۳: ۱۱۵). با مراجعه و تفحص در منابع فقهی و روایات اسلامی درمی‌یابیم، در خصوص رعایت منابع زیست‌محیطی و اجتناب از آلوده‌سازی آنها پشتوانه غنی از احادیث و آیات وجود دارد.

در روایت‌های اسلامی هر گونه تخریب و هدر دادن منابع و آلوده کردن محیط زیست سخت نکوهش شده است، زیرا انسان را امانتدار و مسئول در قبال کره زمین قلمداد کرده‌اند. در این زمینه از پیامبر اکرم (ص) حدیثی روایت شده که بر محافظت از زمین تأکید فرموده‌اند، زیرا زمین را اصل و منشأ انسان دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۷). در قرآن کریم نیز خداوند متعال به آبادی زمین امر کرده است (هود: ۶؛ حدید: ۷). با توجه به آیه ۱۰ سورة الرحمن نیز می‌توان دریافت زمین و محیط زیست آن، حق همگانی است و همه حق دارند از آن بهره‌مند شوند. همه این آیات و تأکید بر حفاظت از محیط زیست به‌عنوان نعمت خداوندی که متعلق به همه انسان‌هاست، بیانگر اهمیت حفاظت از محیط زیست و وجود مبانی لازم جهت رعایت قوانین زیست‌محیطی از سوی مسلمین است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳۳). به دیگر سخن با نگاهی به این آیات می‌توان دریافت که محیط زیست و توجه به تأمین سلامت آن و حرکت در جهت دستیابی به محیط سالم، از حقوق اساسی بشر است، به طوری که می‌توان قواعد و مقررات مورد نیاز آن را از متون دینی استخراج و مکتب زیست‌محیطی جامعی را ارائه کرد.

در عین حال اگرچه حق استفاده و بهره‌برداری از طبیعت و محیط زیست برای انسان به رسمیت شناخته شده، در مقابل، انسان وظیفه دارد به گونه‌ای از حق خود استفاده کند که به حقوق دیگران لطمه‌ای وارد نکند. از این رو تکلیف بر عدم ورود آسیب به محیط زیست شامل همه افراد اعم از حقیقی و حقوقی می‌شود.

از این رو بحث‌های فقه اسلامی نه تنها هیچ تعارضی با بحث‌های محیط زیست ندارد، بلکه در شرایط قواعد اسلامی در حفظ حقوق نسلی و همبستگی بسیار دقیق‌تر به نظر می‌رسد و تعهدات مسلمانان به رعایت این حقوق فراتر از سهم انسان در نظر گرفته شده است و حقوق همه موجودات در این قالب رعایت و نگریسته می‌شود (Deen, 2007: 193-197). با توجه به این امر حقوق بین‌المللی اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر در خصوص تعهدات زیست‌محیطی شرکت‌ها با هم هیچ اختلافی ندارند (Al-Zuhili, 2005: 280). نتیجه اینکه بهره‌برداری اصولی و عادلانه از محیط زیست و جلوگیری از ورود آسیب‌های زیست‌محیطی، به طوری که هم نسل حاضر و هم نسل‌های آینده بتوانند در پناه آن زندگی سالمی داشته باشند، امری است که در هر دو عرصه درباره آن به صورت مؤکد تأکید شده است.

نتیجه گیری

امروزه حضور و فعالیت شرکت‌های چندملیتی در عرصه اقتصاد بین‌المللی، واقعیتی مسلم و انکارناپذیر است. استانداردهای حقوق بشری، دستورالعمل‌های رفتاری و استانداردهای حقوق کار و فجایع زیست‌محیطی ارتکاب‌یافته توسط شرکت‌های چندملیتی، فرضیه مسئولیت حقوقی این شرکت‌ها را در حوزه‌های حقوق بشری، حقوق کار و محیط زیست اثبات می‌کند. از سوی دیگر آنچه در کدهای رفتاری - اخلاقی شرکت‌های چندملیتی به‌صورت مدون ارائه شده است، در بخش‌های مختلف فقه پویای اسلامی نیز به چشم می‌خورد و با توجه به وجود عناوین محوری مشترک در فرایند تبیین و تنظیم کدهای رفتاری، در هر دو عرصه حقوق بین‌الملل و حقوق اسلام در زمینه تجارت، می‌توان از دغدغه‌های حقوقی مشخصی نیز سخن گفت. احکام پیش‌بینی شده در خصوص معاملات در فقه شیعه، محتوایی کاملاً اخلاقی دارند، یعنی حتی اگر شارع مقدس به‌صراحت آنها را مورد حکم قرار نمی‌داد، موازین اخلاقی بر رعایت آنها تأکید داشتند.

حقوق اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر در خصوص کدهای اخلاقی و رفتاری دارای وحدت نظر و نیز اشتراک موضوع هستند. رویکرد فقهی با تأکید بر احکام شریعت و رویکرد حقوق اسلامی با تأکید بر عنصر فطرت در کمال انسانی زمینه‌ساز کدهای رفتاری بوده‌اند. به‌علاوه بررسی‌ها نشان می‌دهد که حقوق اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر به‌دلیل اشتراک در واحد تحلیل به‌عنوان انسان، همواره حقوق بشر را مهم‌ترین اولویت شرکت‌ها می‌دانند. در حقوق اسلام تمامی قواعد و قوانینی که بر حقوق فردی حاکم است، بر شرکت‌ها به‌مثابه اشخاص حقوقی هم حاکم است. این مهم با در نظر گرفتن حقوق معاهدات در اسلام و رویکرد جدید به حقوق وضعی بیشتر قابل درک می‌شود.

حقوق بین‌الملل با توجه به فقدان رژیم مناسب و منسجم برای نحوه و حدود فعالیت شرکت‌های فراملی، تلاش کرد برای پاسخگویی به مطالبات جامعه جهانی، با پر کردن خلأهای حقوقی موجود، بستر توسعه آتی نظام حقوقی بین‌الملل را فراهم آورد و برای تأثیرگذاری بر فعالیت‌های این شرکت‌ها، از رهگذر تنظیم و تصویب اسناد بین‌المللی چارچوبی برای تحمیل تعهداتی تا حد امکان لازم‌الاجرا به این شرکت‌ها فراهم آورد.

در این عرصه با توجه به نبود تعهدات لازم‌الاجرای بین‌المللی حقوق بشری، حقوق کاری و زیست‌محیطی برای شرکت‌های چندملیتی، به‌منظور حرکت به‌سوی تحقق چارچوبی مستحکم‌تر می‌توان از کدهای رفتاری موضوعه از سوی خود این شرکت‌ها به‌عنوان حقوق نرم یا قوام‌نیافته آغاز کرد و با تکیه بر جمعیت کثیر مسلمانان که بازار مصرف پهناوری برای آنها به‌شمار می‌روند، با انجام مطالعات تطبیقی و اعمال الزامات شرعی، نسبت به ارائه مجموعه تلفیقی جامع از کدهای رفتاری - اخلاقی اقدام کرد که دربرگیرنده دغدغه‌های دینی مسلمین

نیز باشد، به نحوی که برآورده کردن نیازها با محصولات و خدمات حلال (طیبه) با رضایت متقابل هر دو طرف، یعنی فروشنده و خریدار، با هدف رسیدن به رفاه مادی و معنوی در این جهان و جهانی دیگر میسر شود.

در چنین شرایطی با توجه به دشواری تعیین معیارهای الزام آور حقوقی، پایبندی به مجموعه کدهای رفتاری که از سوی سازمان‌های بین‌المللی با مشارکت خود شرکت‌های چندملیتی یا از سوی این شرکت‌ها به صورت داوطلبانه تنظیم می‌شود، به عنوان راهکاری قابل قبول مطرح شده است. راهکاری که تنها از رهگذر تشکیل اتاق‌های فکر و نشست‌های مشترک و ارائه چارچوب‌های جامع‌الطرفین محقق می‌شود.

در عین حال در صورت گنجاندن ارزش‌هایی اسلامی با آن پیشینه اخلاقی و معنوی شگرف، جای بسی امید است که ضمانت اجرای آن از شیرازه مستحکم‌تری برخوردار شود و با اقبال بیشتری در راستای رعایت و ملاحظه این مجموعه کدهای رفتاری، دست‌کم در کشورهای مسلمان روبه‌رو شود.

جامعه بین‌المللی، جامعه‌ای همواره در حال توسعه و تکامل است. از این رو کدهای رفتاری را می‌توان به عنوان پیش‌زمینه‌ای مشترک و قابل قبول در دو عرصه حقوق بین‌الملل و حقوق اسلام، میان بازیگران اصلی این میدان یعنی دولت‌ها اعم از مسلمان و غیرمسلمان، سازمان‌های بین‌المللی و شرکت‌های چندملیتی، برای گذار از تعهدهای نرم حقوق بشری به سوی تعهدات الزام آور حداقلی با رعایت الزامات شرعی در نظر آورد، اما تعهدهای حداقلی که اندک‌اندک می‌توانند از قالب حقوق نرم گذر کنند و جامعه‌ای از حقوق سخت برای خود فراهم آورند، امری که طلبه‌ای نوین برای پاسخگویی به مطالبات و دغدغه‌های جامعه جهانی به ارمغان خواهد آورد.

منابع

۱. فارسی و عربی

الف) کتاب‌ها

۱. حر عاملی، شیخ محمد بن حسن (۱۳۷۲). *وسائل الشیعه*، بی‌چاپ، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
۲. صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق). *الکافی*، ج ۵، قم: دارالحدیث للطباعة و النشر.
۴. لاجوردی، عرفان (۱۳۹۳). *حقوق شرکت‌های فراملی*، تهران: میزان.
۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، ج ۷۵، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۶. نجفی، شیخ محمدحسن (۱۳۶۵). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، ج ۲۲، بی‌چاپ، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

ب) مقالات

۷. حسینی، میرزاحسن؛ فروزنده دهکردی، لطف‌الله؛ عیدی، فاطمه (۱۳۹۰). «ارائه چارچوب مفهومی در بازاریابی براساس مبانی اسلامی»، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، دوره یازدهم، ش ۴۲، ص ۱۱۷-۱۴۸.
۸. رضوانی، احمد؛ کوخایی‌زاده، کریم؛ سبحانی، نبی (۱۳۹۳). اخلاق و آداب تجارت در فقه شیعه، چهارمین همایش ملی اخلاق و آداب زندگی، زنجان، گروه فلسفه دانشگاه زنجان.
۹. صلح‌چی، محمدعلی (۱۳۹۳). «مسئولیت دولت در قبال نقض حقوق بین‌الملل بشر توسط شرکت‌های فراملی»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ش ۴۴، ص ۱۰۵-۱۲۸.
۱۰. ضیایی، سید یاسر (۱۳۹۵). شرکت‌های فراملی و حقوق بین‌الملل محیط زیست، *فصلنامه حقوق ملل*، ش ۲۲، ص ۱۱۹-۱۳۴.
۱۱. عبدالقادر، احمد (۱۳۹۰). «حقوق کارگر در اسلام»، *احسانی*، خداداد، *فصلنامه تخصصی پژوهشنامه حقوق*، سال اول، ش ۱، ص ۱۸۵-۱۶۵.
۱۲. عسکری، پوریا (۱۳۹۲). «حقوق بشر و شرکت‌های فراملی: پیمان جهانی و چارچوب حمایت، احترام و جبران سازمان ملل متحد»، چاپ‌شده در مجموعه مقالات کتاب *جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ص ۳۱۹-۳۱۱.
۱۳. قنبری جهرمی، محمدجعفر؛ وصالی محمود، منصور (۱۳۹۵). «تأثیر رویه و رفتار سرمایه‌گذار در تعدیل خسارات ناشی از نقض استانداردهای حمایتی معاهدات سرمایه‌گذاری»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ش ۵۰، ص ۱۱۹-۱۴۱.
۱۴. کاظمی، بابک (۱۳۸۴). «نقدی بر شرکت‌های چندملیتی»، *اقتصاد انرژی*، ش ۷۹-۸۰، ص ۱۹-۲۳.
۱۵. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۶۳). «اسلام و محیط زیست»، *مجله نور علم*، ش ۴، ص ۱۱۶-۱۱۱.
۱۶. لطیفیان، محمدحسین (۱۳۹۲). «شرکت‌های چندملیتی و محدودیت‌های حقوق بشری»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۶۰، ص ۶۱۸-۵۵۱.
۱۷. میرمحمدی، مصطفی (۱۳۹۴). «شریعت اسلامی و قانون حاکم بر قراردادهای تجاری: تراژدی حقوقی یا تعامل نظام‌های حقوقی»، *فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، دوره ۲، ش ۴، ص ۱۱۷-۱۴۲.

ج) پایان‌نامه‌ها

۱۸. بزرگی، اختر (۱۳۹۵). *مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه شرکت‌های*

- چندملیتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی.
۱۹. رضوانی، مهران (۱۳۹۱). *مسئولیت حقوقی شرکت‌های چندملیتی در رعایت قواعد بین‌المللی حقوق بشر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران.
۲۰. فرزانه، آذر (۱۳۹۰). *رویکرد مبتنی بر حقوق بشر به نظام اقتصادی بین‌المللی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران.

۲. انگلیسی

A) Books

21. Baderin, M. A.(2005). *International Human Rights and Islamic Law*, Oxford: Oxford University Press.
22. Dabashi, Hossin. (2017). *Theology of Discontent: The Ideological Foundations of the Islamic Revolution in Iran*, New York: New York University Press.
23. Frick, M. L., & Müller, A. T. (2013). *Islam and international law: engaging self-centrism from a plurality of perspectives*, Brill: Martinus Nijhoff Publishers.
24. Gambling, T., Rifaat. K.(1991). *Business and Accounting Ethics in Islam*, Michigan :Mansel.
25. -Jahanbakhsh, F.(2001). *Islam, Democracy and Religious Modernism in Iran (1953-2000): From Bazargan to Soroush*, Montreal: Brill.
26. Muchlinski Peter T, (2007), *Multinational Enterprises and the Law*., New York, Oxford University press.
27. Sonbol, A.(2003). *Women of the Jordan: Islam, Labor, and the Law*, New York: Syracuse University Press.
28. Steiner, Henry J.; Alston, Philip ,(2000), *International Human Rights in Context :Law,Politics, Morals* , New York ,Oxford University Press.

B) Articles

29. Allen, William T, (1992) . " Our Schizophrenic Conception of the Business Corporation", *Cardozo Law Review* ,vol 14, No 3 , pp 261-282.
30. Al-Zuhili, Sh. W.(2005). "Islam and International Law", *Damascus: International Review of the Red Cross*, Vol 87, No 858, pp 269-283.
31. Bacjer, Larry Cata (2006). "Multinational Corporations, Transnational Law: The United Nation's Norms on the Responsibilities of Transnational Corporations as Harbinger of Corporate Responsibility in International Law", *Columbia Human Rights Law Review*, Vol 37 Iss. 2 , pp 101- 192
32. .Beenkun, R. I. (1997). "Islamic Business Ethics", *Nevada: International Institute of Islamic Thought (IIIT)*, 84 pages.
33. Gabriel, Henry D., (2009). "The Advantages of Soft Law in International Commercial Law:The Role of UNIDROIT,UNCITRAL,and The HAGUE Conference", *Brooklyn Journal of International Law*, Vol 34, pp 655-672.
34. Hyman, Richard (1998) . "Industrial Relations in Europe: Crisis or Reconstruction , in Advancing Theory in Labour Law and Industrial Relations in a Global Context? ", *royal Netherlands academy of arts and science*, pp 181-194.

35. Izzi Deen, M.Y. (1990). "Islamic environmental ethic, law, and society", published in *Ethics of Environment and Development: Global Challenge and International Response*, University of Arizona Press, , pp. 189-198,
36. Macklem, Peter (2002). "Labour Law Beyond Borders", *Journal of International Economic Law*, Vol 5, No 3, 605-645.
37. -Miles, Kate (2007). "Transforming Foreign Investment: Globalization", *The Environment, And A Climate Of Controversy*, Vol 7, Macquarie Law journal, pp 81-106.
38. Muchlinski, Peter (2001). "Human Rights and Multinationals: Is There a Problem? ", *International Affairs*, Vol 77, pp 31-48.
39. -Rice, Gabriel (1999). "Islamic Ethics and the Implications for Business", *Journal of Business Ethics*, Vol 18, No 4, pp 345-358.
40. Tanri, A.(1997). "Business Ethics in Islamic Context: Perspectives of a Muslim Business Leader", *Business Ethics Quarterly*, Vol 7, No 3, pp. 47-54.
41. Vázquez , Carlos M , (2005). "Direct vs. Indirect Obligations of Corporations Under International Law", *Columbia Journal of Transnational Law*, Vol 43, pp 927-959.
42. Wilson, J.A.J., Liu. J. (2010). "Shaping the Halal into a Brand?", *Journal of Islamic Marketing*, Vol 1, Issue: 2, pp107-123.

C) Documents

43. Kline John M.,(1999). The Social Responsibility of Transnational Corporation, et al. available in (UNCTAD/ITE/IIT/Misc.21).
44. Multinational Enterprises, The Institute of International Law, <http://www.idi-iiil.org/app/uploads/2017/06/1977-oslo-02-en.pdf>
45. Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights on the Responsibilities of Transnational Corporations and Related Business Enterprises with regard to Human Rights,(2005).
46. The International Bill of Rights Fact , Office of the High Commissioner for Human Rights (OHCHR), (1996), Geneva, sheet. 2 ,Rev.